

اصول اخلاق اجتماعی در بوستان سعدی

فاطمه عظمت مدار^۱

دکتر رضاعلی نوروزی^۲

دکتر حسنعلی بختیار نصرآبادی^۳



چکیده

سعدی از بزرگترین ادیبان ایرانی و مریدان بزرگ اجتماعی است که «بوستان» را در سال ۶۵۵ ه. ق. تألیف کرد. این اثر به دلیل آن که حاوی حکایات و آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی فراوان است، یکی از بزرگترین منابع در زمینه‌ی تعلیم و تربیت به شمار می‌رود. هدف از پژوهش فوق بازگشت به منابع فرهنگی و ادبی گذشته و معرفی آراء سعدی به عنوان یکی از مریدان دست‌پرورده‌ی مکتب اسلام در زمینه‌ی اصول اخلاق اجتماعی می‌باشد که به منظور دست‌یابی به هدف فوق با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی و تحلیل اسنادی اشعار و حکایات وی در بوستان پرداختیم که در نتیجه‌گیری نهایی اصولی از قبیل عدالت، تواضع، حفظ زبان، امر به معروف و نهی از منکر، خوی نیکو، خدمت به خلق، تغافل و احسان با ذکر ابیاتی از بوستان دسته‌بندی و بررسی گردید.

واژه گان کلیدی: سعدی، اخلاق اجتماعی، بوستان، حفظ زبان.

f.azamat58@yahoo.com

۱- دانشجوی دکترای دانشگاه اصفهان

۲- استادیار دانشکده علوم تربیتی اصفهان

۳- دانشیار دانشکده علوم تربیتی اصفهان

در قالب مثنوی تنظیم گردیده است.

آثار سعدی و از جمله بوستان به لحاظ محتوا شامل مضامین بلند تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... است که تأمل در آنها دلالت‌های مهمی را برای تربیت خواهند داشت. در حقیقت شاید بتوان گفت که وی بزرگ‌ترین شاعر اخلاق و تربیت است که از طبع خلّاق و اطلاعات وسیع خود به نحو شایسته‌ای در این راه استفاده کرده است. وی شاعری است که تعلیم اخلاق می‌دهد. تعلیم دهنده اخلاق به معنی دقیق کلمه، یعنی مصّنفی است که رسوم، عادات، افعال و خلیقات افراد جامعه‌ی خویش را مطالعه می‌کند و از همه مشاهدات و مطالعات، اندیشه‌ها و اصول عمومی را به دست می‌دهد که بیش از هر چیز جنبه‌ی عملی دارد.

در این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که سعدی در بوستان، اصول اخلاق اجتماعی را چگونه ترسیم نموده است، تا افراد با رعایت آن اصول همزیستی مسالمت‌آمیزی را در کنار یکدیگر داشته باشند. علت انتخاب کتاب بوستان در میان کلیات سعدی این است که وی جامعه آرمانی مورد نظر خویش را در کتاب بوستان به تصویر کشیده است. منظومه بوستان، که زاده‌ی خیال و جهان آرمانی و مطلوب سعدی است، آکنده از نیکی و پاکی و ایمان و صفاست؛ و او انسان را در این اثر آن‌گونه که باید باشد به مدینه‌ی فاضله و آرمان‌شهری از اخلاق و فضیلت رهبری می‌کند. سعدی در ابواب ده‌گانه «بوستان»، سیمای یک انسان نمونه‌ی آرمانی را ترسیم می‌کند و انسان‌ها را به سوی صلاح هدایت کرده و به ترویج فضایل اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد (ریپکا، ۱۳۶۹: ۶۷). بنا به گفته‌ی غلامحسین یوسفی در مقدمه بوستان «سعدی مدینه‌ی فاضله‌ای را که می‌جسته در بوستان تصویر کرده است. جهان بوستان همه نیکی است و پاکی و دادگری و انسانیت؛ یعنی عالم چنان‌که باید باشد و به قول مولوی (شربت اندر شربت)» (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۷). از دیگر امتیازات «بوستان»،

نتیجه‌گیری هنرمندانه‌ی سعدی است؛ چراکه او افکار عالی اخلاقی و اجتماعی را به صورت داستان بیان نموده و در هر حکایت هدف و غرض خاصی را دنبال می‌کند و برای افزایش تأثیر کلام خود، داستان‌های اخلاقی را در لباسی از هنر به جلوه می‌آورد و با پایانی شایسته، نتیجه‌ی نهایی را به شیوایی می‌آراید. (حسن‌لی، ۱۳۸۱: ۳۶).

«مطالب اخلاقی و ملاحظه‌های اجتماعی، پندها و دستورالعمل‌های زندگانی و خلاصه آنچه بوستان را از حیث معنی بلند و گرانبمایه می‌کند، شاید خیلی ابتکاری نباشد و گویندگان دیگر گفته باشند، ولی سبک فصیح و بلیغ سعدی بر آنها لباس برانده‌ای پوشانیده است که در هیچ یک از آثار استادان پیشین جلوه نمی‌کند. بوستان از حیث مطلب پرمایه‌ترین آثار سعدی است. در خلال آن بلندی مقصد، استواری فکر، نشر فضایل روحی و اجتماعی و بالجمله روح بزرگواری وی هویدا می‌شود» (دشتی، بی تا: ۲۸۷).

ضرورت پرداختن به موضوع فوق از این جهت است که انسان موجودی اجتماعی است که بدون مشارکت با دیگران و ایجاد اجتماعات انسانی قادر به ادامه‌ی زندگی و به عبارتی، پیشرفت و ترقی نخواهد بود. اما از یک سو تحقق این زندگی اجتماعی نیازمند به شرایط خاصی است که بدون رعایت آنها، دوام و بقای جوامع بشری با تنش و چالش روبرو می‌شود و از سوی دیگر انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی است که در بعد روحانی خود به طور ذاتی و فطری دارای تمایلات و گرایشهای اخلاقی می‌باشد که این گرایشها اگر به صورت صحیحی جهت دهی و تربیت شوند، حیات فردی و اجتماعی سعادت‌مندانه‌ای خواهد داشت.

خداوند در سوره‌ی جمعه به بیان اهمیت اخلاق پرداخته می‌فرماید: «اوست خدایی که در میان عرب بی‌سواد امّی پیغمبری بزرگواری برانگیخت تا بر آنان آیات خداوند را تلاوت کند و از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و کتاب و حکمت الهی به آنان بیاموزد، با آن که پیش از این، همه در جهالت و گمراهی آشکار بودند.» (جمعه/۲).

در نگرش اسلامی، اخلاق از برجسته‌ترین عناصر تکوین شخصیت انسان محسوب می‌شود و نقش و جایگاه ارزنده‌ای در ساختار تربیت و فرهنگ اسلامی دارد، تا جایی که پیامبر(ص) هدف از رسالت خویش را تتمیم اخلاق می‌داند: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (حائری تهرانی، ۱۳۷۳: ۳۵).

به دلیل اهمیت این موضوع، شاعران برجسته‌ی فارسی نیز، بخش عمده‌ای از چکیده‌ی احساس و اندیشه‌ی خود را به اخلاق اختصاص داده‌اند.

بررسی پیشینه تحقیقات حاکی از آن است که علی‌رغم اهتمام سعدی به موضوع اخلاق اجتماعی در بوستان، تقریباً می‌توان گفت که هیچ پژوهشی به‌طور مستقل به این عنوان نپرداخته‌است و تنها به صورت پراکنده ابیاتی حاوی این مضمون در برخی مقالات وجود دارد که تعداد آنها نیز چشمگیر نیست و با توجه به این مسئله نیز، ضرورت پرداختن به موضوع فوق بیشتر آشکار می‌گردد.

بنابراین هدف در این نوشتار بازگشت به منابع فرهنگی و ادبی و کشف و استخراج گنجینه‌های به یادگار مانده از گذشته و معرفی آراء یکی از مربیان دست‌پرورده‌ی مکتب اسلام در زمینه‌ی اخلاق اجتماعی می‌باشد که به منظور دست‌یابی به هدف فوق، پس از معاشناسی واژه‌ی اخلاق اجتماعی، نظری کوتاه به دیدگاه سعدی در این باره می‌افکنیم و سپس به بررسی مهمترین اصول اخلاق اجتماعی در نگاه و اندیشه‌ی وی می‌پردازیم. لازم به ذکر است که با توجه به تأثیرپذیری سعدی از قرآن، نهج‌البلاغه و احادیث ائمه (آزادی، ۱۳۷۳: ۳۳-۳۸) هر جا که کلام اقتضاء نماید، از آیات قرآن و احادیث ائمه نیز در ذیل اصول استفاده شده‌است.

معاشناسی واژه‌ی اخلاق اجتماعی

«اخلاق» جمع «خلق» است و خلق به معنای صفات و ملکات نفسانی که به

واسطه‌ی آن ملکه، فعل به آسانی از انسان سر می‌زند، حال چه آن ملکه از رذایل باشد و چه از فضایل، ولی اگر اخلاق به صورت مطلق ذکر شود، خلق نیکو و فضیلت از آن فهمیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۶۱۹-۶۱۸).

اخلاق فردی عبارت است از تهذیب و تزکیه نفس و آراسته شدن به فضائل اخلاقی و دوری از رذائل برای رسیدن به کمالات نفسانی. در مقابل اخلاق اجتماعی عبارت است از آشنایی و عمل به وظایف اجتماعی جهت دستیابی به یک زندگی سعادت‌مند و لذت‌بخش (حائری تهرانی، ۱۳۷۳: ۳۱).

به عبارت دیگر اخلاق اجتماعی عبارت است از مسائل اخلاقی که محور آنها روابط اجتماعی انسان با دیگران و موضوع آن ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با دیگران می‌باشد. محور اصلی اخلاق اجتماعی ارتباط انسان با دیگران است و بر اساس معاشرت با افراد و زندگی اجتماعی پدید می‌آید؛ مثل احسان به دیگران، احترام یا توهین به دیگران (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۴).

بنابراین منظور از اخلاق فردی، اصولی است که صرف نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش‌های اخلاقی او می‌پردازد و اخلاق اجتماعی به بیان اصول ارزشی حاکم بر روابط اجتماعی انسان می‌پردازد.

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

اخلاق اجتماعی از دیدگاه سعدی

از منظر سعدی سازگاری اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز کمال مطلوب جامعه‌ی آرمانی است. او مدینه‌ی فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که این دو از بنیانهای مستحکم شخصیت هر فرد از افراد آن جامعه است. بدین جهت در سراسر آثار خود و خصوصاً بوستان، برای نشان دادن سیمای افراد آن جامعه، از فضایل عالی و فروغ انسانیت و آدمیت که بر آنان حاکم است سخن می‌گوید و عدالت، تواضع، صلح،

سعدی تواضع در مقابل دیگران را باعث سربلندی انسان، و غرور و تکبر را مایه‌ی محرومیت و هلاکت او می‌داند:

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت
(همان، ۳۰۰)

تکبر نکن چون به نعمت دری که محرومی آید زمستگیری
(همان، ۳۷۴)

بی تردید برخورداری از روحیه تواضع، موجب می‌شود که آدمی نقاط ضعف خود را بپذیرد و در طریق استکمال و رفع عیوب خویش بکوشد:

یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چو پهنای دریا بدید
که جایی که دریاست من کیستم؟ گر او هست حقا که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید
سپهرش به جایی رسانید کار که شد نامور لؤلؤ شاهوار
بلندی از آن یافت کو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد
(همان، ۲۹۷)

به دولت کسانی سرافراختند که تاج تکبر بینداختند
(همان، ۳۱۲)

تکبر و خود بزرگ بینی مانع از آن می‌شود که انسان خویشتن را آنچنان که هست ملاحظه و ارزیابی کند. به بیان دیگر، بیماری خودبزرگ بینی مانع از شناخت «خود» است و خود بین از شناخت خدا نیز محروم است (آزادی، ۱۳۷۳: ۵۸).

بزرگان نکردند در خود نگاه خدایینی از خویشتن بین خواه
زمغرور دنیا ره دین مجوی خدایینی از خویشتن بین مجوی

(همان، ۳۰۰)

۳. حفظ زبان

سعدی در جای جای بوستان و دیگر آثارش به برشماری آفت‌ها و آسیب‌های ناشی از عدم حفظ زبان پرداخته و غفلت از این امر را سبب خدشه‌دار نمودن روابط اجتماعی می‌داند. حفظ زبان در اندیشه‌ی سعدی مقوله‌ی بسیار گسترده‌ای است و شامل تأمل و اندیشه در سخن گفتن، پرهیز از زیاده‌گویی، پرهیز از عیب‌جویی کردن، پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران و پرهیز از سخن‌چینی می‌باشد.

سعدی در باب اول و هفتم بوستان ما را به تأمل و اندیشه در سخن گفتن فرا می‌خواند و این نکته را گوشزد می‌نماید که فرد خردمند ابتدا می‌اندیشد و سپس گفتاری را بر زبان می‌آورد، زیرا کلامی که به زبان آمد، دیگر قابل بازگشت نیست:

دل است‌ای خردمند، زندان راز چو گفتی نیاید به زنجیر باز
(سعدی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

نظر کن چو سوافار داری به شست نه‌آنکه که پرتاب کردی زدست
(همان، ۲۱۶)

نباید سخن گفت ناساخته نشاید بریدن نینداخته
(همان، ۳۴۵)

تأمل کنان در خطا و صواب به از ژاژ خیابان حاضر جواب
(همان، ۳۴۵)

به‌نطق است و عقل، آدمیزاده فاش چو طوطی سخنگوی نادان مباش
(همان، ۳۴۷)

و کسی که بدون اندیشه سخن می‌گوید، در نهایت انگشت ملامت به دندان می‌گزد:

به تندی سبک دست بردن به تیغ به دندان برّد پشت دست دریغ
(همان، ۲۲۱)

سخن چینی نیز از دیگر نتایج عدم حفظ زبان است که یک رذیلت اخلاقی محسوب شده و آسیب جدی در روابط اجتماعی به وجود می‌آورد. سعدی در ابیات زیر این ویژگی را مایه‌ی ایجاد تفرقه و خدشه دار نمودن روابط افراد می‌داند و به همین دلیل چنین افرادی را مورد نکوهش قرار می‌دهد:

سخن چین کند تازه جنگ قدیم	به خشم آورد نیک‌مرد سلیم
از آن همنشین تا توانی گریز	که مر فتنه‌ی خفته را گفت خیز
میان دو کس جنگ چون آتش است	سخن چین بدبخت هیزم است

(سعدی، ۱۳۸۰: ۳۵۵)

همچنین سعدی ما را به پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران هشدار می‌دهد و این تأکید به دلیل ناتوانی از بستن زبان مردم است. وی در بوستان می‌گوید:

جواهر به گنجینه دانان سپار	ولی راز را خویشتن پاس دار
دل است‌ای خردمند زندان راز	چوگفتی نیاید به زنجیر باز

(همان، ۲۱۸)

منه در میان راز با هر کسی	که جاسوس هم کاسه دیدم بسی
---------------------------	---------------------------

(همان، ۲۵۴)

ضمیر دل خویش منمای زود	که هرگه که خواهی، توانی نمود
ولیکن چو پیدا شود راز مرد	به کوشش نشاید نهان باز کرد

(همان، ۳۴۷)

به کوشش توان دجله را پیش بست	نشاید زبان بد اندیش بست
------------------------------	-------------------------

(همان، ۳۶۳)

سخن تا نجویی بر او دست هست	چو گفته شود، یابد او بر تو دست
----------------------------	--------------------------------

(سعدی، ۱۳۸۰: ۳۴۶)

حضرت علی(ع) نیز در این باره می‌فرماید: «سخن در بند تو گرفتار است، مادام که

بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من آسا
(همان، ۲۷۴)

عجب ناید از سیرت بخردان که نیکی کنند از کرم با بدان
(همان، ۳۱۸)

سعدی ما را از خشم گرفتن به دیگران باز می‌دارد زیرا خشم بیش از حد روابط
اجتماعی را مخدوش می‌نماید و باعث دوری و گریز افراد می‌گردد:
تحمل کند هر که را عقل هست نه عقلی که خشمش کند زیر دست
(همان، ۲۲۱)

اگر تند باشی به یکبار و تیز جهان از تو گیرند راه گریز
(همان، ۳۴۶)

امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید: سامان یافتن همه‌ی امور زندگی و صلاح
روابط اجتماعی چون محتوای پیمان‌های است که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن
تغافل است. (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

۸ دستگیری و احسان

احسان مفهوم گسترده‌ای دارد؛ که یکی نیکی کردن به غیر است. در گستره احسان،
عناوینی چون انفاق، دستگیری، همکاری و تعاون، کمک به مؤمن و... رخ نمائی
می‌کند.

از نظر سعدی والایی و شرافت آدمی به احسان و نیکوکاری است، چنان‌که اگر
کسی سودش به دیگران نرسد و از روحیه‌ی انفاق و احسان برخوردار نباشد و تنها در
بند آسایش خویش باشد، از انسانیت بی‌بهره است. از این‌رو باب دوم بوستان را به
احسان اختصاص داده، می‌گوید:

یکی زهره‌ی خرج کردن نداشت
 نه خوردی، که خاطر بر آسایدش
 زرز بود و یارای خوردن نداشت
 زر از بهر خوردن بودای پدر
 نه دادی، که فردا به کار آیدش...
 زهر نهادن چه سنگ و چه زر...
 بخیل توانگر به دینار و سیم
 طلسمی است بالای گنجی مقیم
 (سعدي، ۱۳۸۰: ۲۷۶)

خور و پوش و بخشای و راحت رسان
 خور و پوش و بخشای و راحت رسان
 بد و نیک را بذل کن سیم و زر
 بد و نیک را بذل کن سیم و زر
 وگر پرورانی درخت کرم
 وگر پرورانی درخت کرم
 ببخش ای پسر که آدمیزاده صید
 ببخش ای پسر که آدمیزاده صید
 سعدي انسانهایی را که فقط به دنبال منفعت خویش هستند و به دیگران نظر
 سعدي انسانهایی را که فقط به دنبال منفعت خویش هستند و به دیگران نظر
 ندارند، با سنگ خارا یکسان دانسته بلکه پست‌تر از سنگ می‌داند، چراکه در سنگ و آهن و روی نیز نفع و سودی وجود دارد:
 آهن و روی نیز نفع و سودی وجود دارد:
 اگر نفع کس در نهاد تو نیست
 اگر نفع کس در نهاد تو نیست
 غلط گفتم ای یار شایسته خوی
 غلط گفتم ای یار شایسته خوی
 چنین گوهر و سنگ خارا یکی است
 چنین گوهر و سنگ خارا یکی است
 که نفع است در آهن و سنگ و روی
 که نفع است در آهن و سنگ و روی
 (همان، ۲۶۰)
 (همان، ۲۵۹)
 (همان، ۳۱۲)
 (همان، ۲۶۶)
 (همان، ۲۳۴)

همچنین سعدي باب اول بوستان را با این بیت آغاز می‌کند که:

شنیدم که در وقت نزع روان
 که خاطر نگهدار درویش باش
 به هر مز چنین گفت نوشیروان
 به هر مز چنین گفت نوشیروان
 نه دربند آسایش خویش باش
 نه دربند آسایش خویش باش
 (سعدي، ۱۳۸۰: ۲۱۱)

۹. اکرام به مهمان و غریب نوازی:

سعدی معتقد است که انسان‌های بزرگ مهمان و مسافر را عزیز می‌شمردند و آن‌ها را از رحمت خویش ناامید نمی‌سازند:

بزرگان مسافر به جان پرورند که نام نکویی به عالم برند
نکو دار ضیف و مسافر عزیز وز آسیبشان بر حذر باش نیز
(سعدی، ۱۳۸۰: ۲۱۳)

مگردان غریب از درت بی نصیب میادا که گردی به درها غریب
(همان، ۲۵۶)

غریبی که رنج آردش دهر پیش بدار و دهند آتش از شهر خویش
(همان، ۳۶۸)

نتیجه‌گیری

راز بزرگواری و ماندگاری سعدی علاوه بر شیوه‌ی سخن‌سرایی و نویسندگی او، در امتزاج ارزش‌های انسانی و اخلاقی و اجتماعی است. هم‌ظرف ممتاز است و هم‌مظروف‌ها پر بها. اخلاق و تربیت اخلاقی افراد جامعه، محور اندیشه و سخن سعدی است.

سعدی در «بوستان»، تجربیات و اندیشه‌های خود را هنرمندانه و استوار با زبان بسیار شیوا و روان و با بیانی متفکرانه مطرح می‌کند و به نشر فضایل اخلاقی و اندیشه‌های اجتماعی می‌پردازد. وی در این اثر مدینه‌ی فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که افراد آن جامعه، از فضایل عالی و فروغ انسانیّت و آدمیّت برخوردارند و با عمل نمودن به اصول اخلاق جمعی در جهت نیل به سعادت واقعی می‌کوشند. آنچه در این گفتار مورد بحث و بررسی قرار گرفت اندیشه‌های سعدی در کتاب بوستان

درباره‌ی اصول اخلاق اجتماعی بود. در جمع‌بندی نهایی این اصول در هشت محور با عناوین عدالت، تواضع، حفظ زبان، امر به معروف و نهی از منکر، خلق و خوی نیکو، نوع‌دوستی و خدمت به خلق، تغافل و دستگیری و احسان دسته‌بندی گردید. اصل دوم یعنی حفظ زبان در اندیشه‌ی سعدی مقوله‌ی بسیار گسترده‌ای است و خود شامل تأمل و اندیشه در سخن، پرهیز از زیاده‌گویی، پرهیز از عیب‌جویی کردن، پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران و پرهیز از سخن‌چینی می‌باشد که در هر مورد برای اجتناب از اطاله‌ی کلام به ذکر چند بیت از بوستان بسنده شد. رعایت اصول فوق از سوی افراد، جامعه را به سوی سازگاری و همزیستی مسالمت آمیز سوق می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- ۱- آزادی، محمد کریم، تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، چاپ اول، انتشارات رهگشا، ۱۳۷۳.
- ۲- اسلامی ندوشن، محمد علی، چهار سخنگوی وجدان ایرانی، تهران: قطره، ۱۳۸۱.
- ۳- بهشتی، محمد و همکاران، آراء دانشمندان مسلمان درباره‌ی تربیت و مبانی آن، ج ۴، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۴- حائری تهرانی، مهدی، بنیادهای اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۵- حسن‌لی، کاووس، شیرین تر از قند، تهران: اهل قلم، ۱۳۸۱.
- ۶- دشتی، علی، درقلمرو سعدی، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا، بی تا.
- ۷- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: کونمبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین، حدیث خوش سعدی، تهران: سخن، ۱۳۸۶.
- ۹- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله، بوستان سعدی (سعدی نامه)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۴.
- ۱۰- ----- کلیات، به تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ دوم، تهران: میلد، ۱۳۸۰.
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، چاپ نهم، قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۱۲- علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۶، چاپ هفتم، قم: انتشارات فراهانی، ۱۳۸۵.
- ۱۳- علی بن ابی‌طلب (ع)، نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ نوزدهم،



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی